



A Meta-Analysis of the Shi'a Mahdavi Doctrine and the Global Culture of Messianism: The Tripartite Link of Belief, Assistance, and Living in Communication Discourse (Case Study: Mashreq-e Mouood Journal)

Dr. Hassan Bashir¹

Seyyed Majid Taheri²

Abstract

The absence of a systematic model for applying communication theories to Mahdist teachings has made it difficult to assess the efficacy of research in this field. Aiming to bridge this gap, the current study analyzes the trends in Mahdism studies and elucidates the structural relationship between the triadic axes of "Mahdi-Belief" (Cognitive Dimension), "Mahdi-Support" (Behavioral Dimension), and "Mahdi-Lifestyle" (Lifestyle Dimension) with foundational communication theories. Adopting a "Mixed-Method Meta-Analysis" approach, this study monitored and conducted an in-depth content analysis on a statistical population comprising 246 scientific articles published in issues 1 to 30 of the Mashreq-e Mouood Quarterly (spanning from 2006 to 2014 / 1385–1393 SH). Statistical analyses and thematic data mining indicate that although the predominant focus of the articles was on theoretical foundations, the extraction of components demonstrates the feasibility of convergence between Mahdist realms and five communication theories, including "Cultivation," "Persuasion," "Uses and Gratifications," "Public Diplomacy," and "Spiritual Communication." Based on the extracted data, a new conceptual model was designed to elucidate the distribution and impact of this triad within the context of communication functions. The model derived from this meta-analysis, while diagnosing existing trends, provides a standard and measurable framework for evaluating the impact of the media system on promoting the Culture of Waiting (Intizar). Furthermore, it can serve as a foundation for research policymaking in the specialized interdisciplinary field of "Mahdism and Communication."

Keywords: Mahdism Doctrine, Meta-Analysis, Mahdi-Belief, Mahdi-Support, Mahdi-Lifestyle, Communication Theories, Public Diplomacy, Mashreq-e Mouood Quarterly

1. Professor Department of Islamic Studies, Culture and Communications, Imam Sadeq University, Tehran, Iran (bashir@isu.ac.ir)

2. PhD Candidate, Faculty of Social Sciences, Media and Communication, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author) (majidst63@gmail.com)

فرا تحلیل دکتربین مهدویت شیعی و فرهنگ جهانی منجی باوری پیوند سه گانه مهدی باوری، مهدی یابوری و مهدی زیستی در گفتمان ارتباطی (مطالعه موردی: مقالات «مشرق موعود»)*

حسن بشیر^۱

سیدمجید طاهری^۲

چکیده

فقدان الگوی نظام مند در کاربست نظریه های ارتباطی با آموزه های مهدوی، سنجش کارآمدی پژوهش های این حوزه را دشوار ساخته است. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ، به واکاوی جریان شناسی مطالعات مهدوی و تبیین ساختار روابط میان محورهای سه گانه «مهدی باوری» (بُعد شناختی)، «مهدی یابوری» (بُعد کنشی) و «مهدی زیستی» (بُعد سبک زندگی) با نظریه های اصیل ارتباطی می پردازد. این پژوهش با رویکرد «فرا تحلیل کمی و کیفی»، جامعه آماری شامل ۲۴۶ مقاله علمی منتشر شده در شماره های ۱ تا ۳۰ فصل نامه مشرق موعود (بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳) را مورد پایش و تحلیل محتوای عمیق قرار داده است. تحلیل های آماری و داده کاوی مضامین نشان می دهد که اگرچه تمرکز غالب مقالات بر مبانی نظری بوده است، اما استخراج مؤلفه ها امکان همگرایی میان ساخت های مهدوی و پنج نظریه ارتباطی شامل «کاشت»، «اقتناع»، «استفاده و رضامندی»، «دیپلماسی عمومی» و «ارتباط معنوی» را اثبات می کند. براساس داده های مستخرج، مدل مفهومی جدیدی طراحی شد که چگونگی توزیع و تأثیرگذاری این سه گانه را در بستر کارکردهای ارتباطات تبیین می کند. مدل برآمده از این فرا تحلیل، ضمن آسیب شناسی روند موجود، چارچوبی استاندارد و سنجه پذیر برای ارزیابی تأثیر نظام رسانه ای بر ترویج فرهنگ انتظار ارائه می دهد و می تواند به عنوان مبنایی برای سیاست گذاری پژوهشی در حوزه میان رشته ای تخصصی «مهدویت و ارتباطات» مورد بهره برداری قرار گیرد.

واژگان کلیدی

دکتربین مهدویت، فرا تحلیل، مهدی باوری، مهدی یابوری، مهدی زیستی، نظریه های ارتباطات، دیپلماسی عمومی، فصل نامه مشرق موعود.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۱

۱. استاد گروه معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (bashir@isu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری دانشکده علوم اجتماعی، رسانه و ارتباطات، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) (majidst63@gmail.com).

در زیست‌بوم رسانه‌ای جهان معاصر، که نظام‌های ارتباطی نقشی محوری در بر ساخت واقعیت‌های اجتماعی و جهت‌دهی به باورهای عمومی ایفا می‌کنند، واکاوی نسبت میان «آموزه‌های دینی» و «نظریه‌های ارتباطی» به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در مطالعات میان‌رشته‌ای تبدیل شده است. در این میان، دکترین مهدویت به عنوان یکی از بنیادین‌ترین مؤلفه‌های هویت شیعی و فرهنگ جهانی منجی‌باوری، ظرفیتی تمدنی برای ارائه الگوهای نوین زیستی دارد. این آموزه در ساختاری نظام‌مند، سه ساحت مکمل را در بر می‌گیرد: نخست، «مهدی‌باوری» (بُعد شناختی) که بنیان معرفتی انتظار را شکل می‌دهد؛ دوم، «مهدی‌یابوری» (بُعد کنشی) که بر تعهد و مشارکت اجتماعی استوار است؛ و سوم، «مهدی‌زیستی» (بُعد سبک زندگی) که ترجمان عینی ارزش‌های آخرالزمانی در حیات روزمره است.

لذا درک نقش و جایگاه انتظار و زمینه‌سازی به عنوان دو سازهٔ معنایی در روابط بین‌الملل و سطح رسانه‌ها می‌تواند تا حد زیادی کمک‌کننده به فهم موانع و آسیب‌های پیش روی زمینه‌سازی برای ظهور باشد. موانع و آسیب‌هایی که پدید آمدن‌شان توسط رسانه‌ها ایجاد می‌گردد. از همین رو بر طرف کردن و اصلاح این مفاهیم نیز تا حد زیادی مستلزم پیگیری يك پیوست رسانه محور خواهد بود.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در یکی از سخنان خود درباره وجوه سه‌گانه پیوند و ارتباط با اولیای الهی می‌فرماید:

در قرآن نسبت به اولیای الهی سه تعبیر وجود دارد: يك تعبیر، تعبیر ولایت است؛ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ (مائده: ۵۵) بحث ولایت. معلوم است که پیوند، ارتباط، معرفت، اینها داخل در زیرمجموعه ولایت است. يك بحث، بحث اطاعت است؛ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ (نساء: ۵۹) اطاعت رسول و اطاعت اولی الامر. این، در عمل است. در میدان عمل باید اطاعت کرد، پیروی کرد. اما يك بحث سومی وجود دارد و آن، بحث مودت است. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». (شوری: ۲۳) (سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲)

با وجود اهمیت راهبردی این سه‌گانه، مرور ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که مطالعات مهدویت در ایران، به‌ویژه در دهه اخیر، غالباً با رویکردهای توصیفی، کلامی صرف و گسست از نظریه‌های مدرن علوم انسانی همراه بوده است، فقدان یک الگوی نظام‌مند برای سنجش

کارآمدی پژوهش های مهدوی در بستر دانش ارتباطات، موجب شده تا سنجش میزان اثرگذاری این تولیدات علمی بر بدنه جامعه دشوار گردد. علی رغم انتشار حجم قابل توجهی از مقالات علمی، کمتر تلاشی برای «فرا تحلیل» این آثار جهت کشف الگوی حاکم بر آن ها و تبیین همگرایی میان مفاهیم مهدوی و نظریه های رسانه ای صورت گرفته است.

پژوهش حاضر با درک این خلأ نظری، به دنبال آن است تا با رویکردی «فرا تحلیل گرانه» جریان شناسی مطالعات مهدویت را در یکی از معتبرترین پایگاه های تخصصی این حوزه، یعنی فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، مورد واکاوی قرار دهد. انتخاب این نشریه به دلیل جایگاه مرجعیت آن در گفتمان مهدویت و انتشار مداوم آثار علمی از سال ۱۳۸۵ تاکنون است. در این راستا، جامعه آماری پژوهش شامل ۲۴۶ مقاله منتشر شده در شماره های ۱ تا ۳۰ (بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳) است که به عنوان «کلان داده های معرفتی» این حوزه، دستمایه تحلیل قرار گرفته اند.

مسئله اصلی پژوهش این است که چگونه می توان با عبور از کلی گویی های نظری، ساختاری سنجه پذیر برای پیوند میان ابعاد سه گانه مهدویت و نظریه های اصیل ارتباطی ترسیم کرد؟ بدین منظور، این مطالعه بر پنج نظریه بنیادین شامل «نظریه کاشت» (Cultivation)، «نظریه اقناع» (Persuasion)، «نظریه استفاده و رضامندی» (Uses & Gratifications)، «دیپلماسی عمومی» و «ارتباط معنوی» تمرکز دارد، فرض بنیادین تحقیق آن است که هر یک از ابعاد مهدویت (باوری، یابوری، زیستی) قابلیت همپوشانی و انطباق با کارکردهای خاص این نظریات را دارا هستند؛ به گونه ای که مهدی باوری با فرایند کاشت باورها، مهدی یابوری با مکانیسم های اقناع و مشارکت، و مهدی زیستی با دیپلماسی عمومی و سبک زندگی پیوند می خورد.

اهمیت و نوآوری این پژوهش در ارائه یک «مدل مفهومی ادغام شده» است؛ مدلی که نه تنها به آسیب شناسی روند موجود می پردازد، بلکه چارچوبی استاندارد برای سیاست گذاری پژوهشی در حوزه میان رشته ای تخصصی «مهدویت و ارتباطات» فراهم می آورد نتایج این فرا تحلیل می تواند به نهادهای علمی و سیاست گذاران فرهنگی کمک کند تا با گذار از پژوهش های صرفاً نظری، به سمت تولیدات علمی مسئله محور و کاربردی در ترویج فرهنگ انتظار حرکت کنند بر این اساس، اهداف اصلی پژوهش عبارتند از:

۱. تحلیل روند کمی و کیفی مقالات مهدوی و تعیین سهم هر یک از ابعاد سه گانه (باور، یاری، زیست) در تولیدات علمی؛

۲. تبیین چگونگی همگرایی میان ساحت‌های مهدویت و نظریه‌های پنج‌گانه ارتباطی؛
۳. ارائه مدل مفهومی برای ارزیابی و ارتقای پژوهش‌های آتی در حوزه مهدویت و رسانه.

مبانی نظری

تحلیل داده‌های مقالات می‌تواند بر پایه یک چارچوب مفهومی دوجوهی صورت گیرد؛ بدین معنا که از یک سو، مؤلفه‌های مضمونی مرتبط با مهدویت به عنوان چارچوب محتوایی تحلیل در نظر گرفته شوند و از سوی دیگر، نظریه‌های رسانه‌ای به مثابه پشتوانه نظری برای تبیین نحوه بازنمایی و دلالت‌سازی رسانه‌ای به کار روند. (Krippendorff, 2018: p. 52)؛ (McQuail, 2010: p. 34)

الف) سه‌گانه‌ی مهدویت در پژوهش‌های معاصر

آموزه‌های مهدوی فراتر از یک انتظار منفعلانه است و شامل سه لایه تعاملی است که در این پژوهش به عنوان محورهای تحلیل محتوایی انتخاب شده‌اند. (خلیل بیگی، ۱۳۸۶: ص ۶۷)

مهدی‌باوری

این بعد، هسته‌ی معرفتی و بنیاد الهیاتی دکترین مهدویت را تشکیل می‌دهد. شامل مباحثی چون اثبات وجود حضرت، صفات ایشان، غیبت صغری و کبری، علائم ظهور و مباحث کلامی مرتبط با معاد و عدل الهی است. هدف آن ایجاد بنیان‌های فکری و اعتقادی مستحکم در جامعه منتظر است. (خلیل بیگی، ۱۳۸۶: ص ۷۱)

مهدی‌یاوری

این بعد ترجمان اجتماعی و عملی ایمان مهدوی است. مهدی‌یاوری به تکالیفی اشاره دارد که منتظران باید در زمان غیبت برای اصلاح جامعه و زمینه‌سازی ظهور انجام دهند (مانند امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ظلم و فساد، و آمادگی‌های تشکیلاتی). این محور بر کنشگری اجتماعی تأکید دارد. (خلیل بیگی، ۱۳۸۶: ص ۸۵)

مهدی‌زیستی

این بُعد، عینی‌ترین سطح تعامل با آموزه‌های مهدوی است و به تحقق عملی این آموزه‌ها در سبک زندگی فردی و اجتماعی (اخلاقیات، روابط خانوادگی، کسب و کار، و مدیریت بحران‌های معاصر) می‌پردازد. این بُعد مستلزم درونی‌سازی کامل آموزه‌ها و تبدیل آن‌ها به هنجارهای رفتاری است. (خلیل بیگی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۲)

ب) نظریه‌های ارتباطاتی و رسانه‌ای مرتبط (متغیرهای نظری)

جدول (۸) چارچوب نظری پژوهش: نظریه‌های ارتباطی منتخب و کارکرد آن‌ها در مطالعات مهدویت

نظریه (Theory)	کارکرد در پژوهش مهدویت (فرضیه ارتباطی)	بنیانگذار اصلی (Main Founder)
نظریه کاشت (Cultivation Theory)	تبیین اثرات تجمیعی و بلندمدت پیام‌های رسانه‌ای تکرارشونده در شکل‌دهی به درک مخاطب از واقعیت جهانی و ضرورت ظهور منجی.	جورج گربرنر (G. Gerbner)
نظریه اقتناع (Persuasion Theory)	تحلیل فرایند تأثیرگذاری رسانه‌ها بر تغییر نگرش‌ها، تقویت ایمان و بسیج مخاطب به سمت کنش عملی در راستای آرمان منجی‌گرایی.	کارل هاولند (C. Hovland)
نظریه استفاده و رضامندی (Uses & Gratifications Theory)	سنجش انگیزه‌های فعالانه‌ی مخاطبان در انتخاب و مصرف محتوای رسانه‌ای مهدوی و ارزیابی میزان ارضای نیازهای شناختی و عاطفی آنان.	کاتز و همکاران (Katz et al.)
دیپلماسی عمومی (Public Diplomacy)	بررسی چگونگی استفاده از رسانه‌ها برای معرفی و تبیین ابعاد جهانی مهدویت (انتظار نجات‌بخش) در عرصه بین‌المللی از طریق نفوذ نرم.	جوزف نای (J. Nye)
ارتباط معنوی (Spiritual Communication)	تحلیل رابطه پیام‌های رسانه‌ای با تجربه‌های قدسی، تعالی‌بخشی ایمان و ایجاد حس حضور معنوی امام در زندگی روزمره مخاطب.	نظریه‌های نوین ارتباطات دینی

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش با هدف تحلیل نظام‌مند و جریان‌شناسی مطالعات مهدویت در بستر دانش ارتباطات، به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های بنیادین زیر است:

۱. پرسش اصلی اول (توصیفی): روند توزیع موضوعی در مقالات فصل‌نامه «مشرق موعود» (شماره ۱ تا ۳۰) با تمرکز بر سه‌گانه «مهدی باوری» (بُعد شناختی)، «مهدی باوری» (بُعد کنشی) و «مهدی زیستی» (بُعد سبک زندگی) چگونه است و کدام ابعاد سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند؟

۲. پرسش اصلی دوم (تحلیلی): مفاهیم و ابعاد سه‌گانه مهدویت تا چه میزان و چگونه با کارکردهای نظریه‌های ارتباطی پنج‌گانه (کاشت، اقتناع، استفاده و رضامندی، دیپلماسی عمومی و ارتباط معنوی) در مقالات مورد بررسی، پیوند یافته‌اند؟

۳. پرسش اصلی سوم (ترکیبی): براساس یافته‌های حاصل از فراتحلیل، چه الگوی مفهومی ادغام‌شده‌ای می‌توان برای تبیین نسبت میان «دکترین مهدویت» و «نظام رسانه‌ای» ارائه داد که بتواند راهنمای پژوهش‌های آتی در این حوزه باشد؟

بیشتر مقالات مورد بررسی در این پژوهش یعنی نزدیک به دوسوم (۶۶٪ از مقالات) با یک پرسش پژوهشی با موضوع: زمینه‌سازی برای ظهور، شرایط و موانع آن ۲۴٪ حدود یک سوم با دو تا چهار پرسش پژوهشی با موضوع: معرفت‌شناسی امام و نشانه‌های ظهور بیشتر این

موارد پرسش‌های اصلی پژوهش بوده‌اند و پرسش‌های فرعی نیز طرح شده است تنها در ۱۰٪ مقالات با موضوع: آینده پژوهی و فرجام ادیان در آخرالزمان مهمترین و پرکاربردترین پرسش‌های مورد استفاده در مقالات در جداول ذیل با عنوان سئوالات اصلی و فرعی ارائه می‌گردد.

پیشینه پژوهش

در این پژوهش، برای دستیابی به تصویری روشن از جایگاه مطالعات مهدویت در نسبت با فرهنگ، آموزش، رسانه و مطالعات میان‌رشته‌ای، بخشی از آثار شاخص این حوزه مرور شده است. بررسی پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود را می‌توان در چند محور عمده دسته‌بندی کرد: نخست، مطالعاتی که به مبانی اعتقادی، کلامی و روایی مهدویت پرداخته‌اند؛ دوم، آثاری که مهدویت را در نسبت با فرهنگ، هنر، آموزش و سبک زندگی بررسی کرده‌اند؛ سوم، پژوهش‌هایی که به آسیب‌شناسی، جریان‌شناسی و نیازسنجی مطالعات مهدوی توجه داشته‌اند؛ و چهارم، مطالعاتی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم امکان پیوند میان آموزه مهدویت و حوزه رسانه و ارتباطات را فراهم می‌کنند.

در محور نخست، بخشی از پژوهش‌ها بر مبانی کلامی، تاریخی و روایی مهدویت تمرکز داشته‌اند. برای نمونه، رضایی در معرفی و نقد کتاب بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، به مقایسه جایگاه مهدویت در منابع روایی دو مذهب پرداخته و نشان داده است که مسئله مهدویت صرفاً به سنت شیعی محدود نیست، بلکه در منابع اهل سنت نیز بازتاب گسترده‌ای دارد؛ هرچند در جزئیات اعتقادی و تاریخی تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. (رضایی، ۱۳۸۸: ص. ۵۴)

در همین راستا، جعفرزاده نیز در مقاله جلوه مهدویت در اندیشه اهل سنت به بازتاب آموزه مهدویت در تفکر اهل سنت پرداخته و کوشیده است ابعاد اعتقادی این مسئله را در میراث کلامی آنان بررسی کند. (جعفرزاده، ۱۳۹۰: ص. ۷۲) همچنین هاشمی در مقاله شیعیان عصر حضور امامان علیهم‌السلام و موضوع مهدویت، به سیر شکل‌گیری و تثبیت باور مهدوی در میان شیعیان عصر حضور پرداخته و نشان داده است که مسئله مهدویت در امتداد بحث امامت، از همان دوره‌های نخستین در ذهنیت شیعیان حضور داشته است. (هاشمی، ۱۳۸۹: ص. ۴۳)

در ادامه این رویکرد اعتقادی و تاریخی، برخی پژوهش‌ها به نسبت مهدویت با مفاهیم کلان دینی توجه کرده‌اند. رضوی در مقاله بعثت، غدیر و مهدویت؛ نیم‌نگاهی به سه مؤلفه مبنایی انسجام اسلامی، مهدویت را در پیوند با بعثت و غدیر بررسی کرده و آن را یکی از اضلاع

بنیادین انسجام اسلامی دانسته است (رضوی، ۱۳۸۶: ص. ۶۱) همچنین محمدی منفرد و دادجو در مقاله امامت و مهدویت، نسبت میان اصل امامت و باور به مهدی موعود را تبیین کرده‌اند و کوشیده‌اند نشان دهند که مهدویت در منظومه اعتقادی شیعه، ادامه طبیعی و منطقی نظریه امامت است. (محمدی منفرد و دادجو، ۱۳۸۳: ص. ۸۹) این دسته از آثار، اگرچه در تثبیت بنیان‌های نظری مهدویت اهمیت دارند، اما غالباً کمتر به نسبت این آموزه با نظام رسانه‌ای، ارتباطات اجتماعی و الگوهای انتقال پیام پرداخته‌اند. محور دوم پیشینه، به مطالعات فرهنگی، هنری و آموزشی مهدویت اختصاص دارد. موسوی گیلانی در مقاله رویکرد هنری به مهدویت، ظرفیت هنر دینی را برای ترویج و تعمیق آموزه مهدویت بررسی کرده و بر تعامل میان هنر، دین و عرفان تأکید داشته است. (موسوی گیلانی، ۱۳۸۵: صص. ۳۲-۳۵) اهمیت این مقاله برای پژوهش حاضر از آن جهت است که نشان می‌دهد انتقال پیام مهدوی تنها از مسیر مباحث کلامی و نظری انجام نمی‌شود، بلکه زبان هنر نیز می‌تواند در بازنمایی، اقناع و تثبیت مفاهیم مهدوی نقش آفرین باشد. از سوی دیگر، مرزوقی در مقاله سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار، جایگاه مهدویت را در برنامه‌های آموزشی مدارس بررسی کرده و نشان داده است که توجه به این آموزه در برخی پایه‌ها و متون درسی با کاستی‌هایی همراه است. (مرزوقی، ۱۳۸۷: صص. ۱۲۷-۱۳۷) این مقاله از حیث توجه به نهاد آموزش و تربیت رسمی، برای فهم سازوکارهای انتقال معرفت مهدوی اهمیت دارد.

در همین زمینه، نیک‌پناه و حسن‌زاده در مقاله تجلی پارامترهای احمد، مهدویت و ظهور در کتب فارسی دوره متوسطه، به بررسی بازتاب مؤلفه‌های مهدویت و ظهور در کتاب‌های فارسی دوره متوسطه پرداخته‌اند (نیک‌پناه و حسن‌زاده، ۱۳۹۷، «تجلی پارامترهای احمد، مهدویت و ظهور در کتب فارسی دوره متوسطه»). محسنی آهویی و خادمی نیز در مقاله فرصت‌ها و چالش‌های کتب درسی در موضوع مهدویت؛ تحلیل بازنمایی مهدویت در کتب آموزش رسمی کشور با رویکرد معیار انقلاب اسلامی، بازنمایی مهدویت در کتاب‌های درسی را تحلیل کرده و نشان داده‌اند که اگرچه از نظر کمی به این موضوع توجه شده، اما از حیث کیفیت و پوشش همه معیارهای اساسی مهدویت، هم‌چنان خلأهایی وجود دارد. (محسنی آهویی و خادمی، ۱۳۹۶: صص. ۷۹-۱۰۲) این آثار نشان می‌دهند که حوزه آموزش رسمی، یکی از میدان‌های مهم بازنمایی و انتقال آموزه مهدویت است؛ با این حال، بیشتر آنها بر محتوای آموزشی تمرکز دارند و کمتر از منظر نظریه‌های ارتباطی و رسانه‌ای به مسئله نگاه کرده‌اند.

در محور سوم، برخی آثار به مهدویت در نسبت با فرهنگ عمومی، سبک زندگی، امنیت اجتماعی و فرهنگ جهانی پرداخته‌اند. ملکی‌راد در مقاله کارکردهای اجتماعی اندیشه مهدویت در حوزه امنیت و دفاع، نشان داده است که باور به مهدویت می‌تواند در تحکیم روابط اجتماعی، افزایش انسجام جمعی و تقویت کارکردهای امنیتی و دفاعی نقش داشته باشد. (ملکی‌راد، ۱۳۹۷: ص. ۱۰۱-۱۲۲) مددی‌زاده و نوری نیز در مقاله مهدویت و تأثیر آن بر فرهنگ جهانی، ظرفیت‌های جهانی آموزه مهدویت را بررسی کرده‌اند و بر امکان تأثیرگذاری این اندیشه بر فرهنگ جهانی تأکید داشته‌اند (مددی‌زاده و نوری، ۱۳۹۴، «مهدویت و تأثیر آن بر فرهنگ جهانی»). از منظر پژوهش حاضر، این دسته از مطالعات اهمیت دارند؛ زیرا مهدویت را نه صرفاً به عنوان یک باور فردی، بلکه به عنوان گفتمانی فرهنگی و اجتماعی بررسی می‌کنند. با این حال، در این آثار نیز معمولاً سازوکارهای رسانه‌ای گسترش فرهنگ مهدوی و نسبت آن با نظریه‌هایی مانند کاشت، اقناع، استفاده و رضامندی یا دیپلماسی عمومی به صورت نظام‌مند تبیین نشده است.

محور چهارم پیشینه، به مطالعات آسیب‌شناختی، جریان‌شناختی و نیازسنجی در حوزه مهدویت اختصاص دارد. بهرامی در مقاله شبهه اختلال هویتی شیعه در ساخت اندیشه مهدویت، یکی از شبهات مطرح درباره شکل‌گیری اندیشه مهدویت را بررسی کرده و به نقد دیدگاه‌هایی پرداخته است که مهدویت را محصول بحران یا اختلال هویتی شیعه می‌دانند. (بهرامی، ۱۳۹۸: صص. ۹۷-۱۱۸) مؤیدی نیز در مقاله عوامل و زمینه‌های پیدایش جریان‌ات انحرافی در حوزه مهدویت از منظر فرهنگی، عوامل فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت را بررسی کرده است (مؤیدی، ۱۳۹۸: صص. ۸-۲۹) این دو پژوهش از آن جهت اهمیت دارند که نشان می‌دهند مطالعه مهدویت بدون توجه به بسترهای اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی آن، نمی‌تواند به آسیب‌شناسی دقیق این حوزه منجر شود.

در کنار این آثار، مطالعاتی نیز به نسبت مهدویت با سایر فرقه‌ها، نحله‌ها و نگاه‌های بیرونی پرداخته‌اند. روحی و روشن‌ضمیر در مقاله جایگاه امامت و مهدویت از نظر قرمطیان، تلقی قرمطیان از امامت و مهدویت را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که برداشت‌های متفاوت از مهدویت در تاریخ فرق اسلامی چگونه شکل گرفته است (روحی و روشن‌ضمیر، ۱۳۹۹: صص. ۵۵-۷۸) حکیمیان و حکیمیان در مقاله پیدا و پنهان دیدگاه مستشرقان در حیطه مهدویت، رویکرد خاورشناسان به مسئله مهدویت را تحلیل کرده‌اند. (حکیمیان و حکیمیان، ۱۳۹۷: صص. ۷۹-۱۰۲) دهقانی آرانی نیز در مقاله سیر تحول آراء مستشرقان در مورد مهدویت:

دوره دوم ۱۹۴۶ تا ۱۹۷۸ میلادی، تحول نگاه مستشرقان به مهدویت را در یک بازه تاریخی مشخص مطالعه کرده است (دهقانی آرانی، ۱۳۹۸: صص. ۱۰۵-۱۲۸) اهمیت این آثار برای پژوهش حاضر در آن است که نشان می‌دهند مهدویت، علاوه بر درون‌گفتمان شیعی، در میدان ارتباطات بین‌فرهنگی و نگاه‌های بیرونی نیز موضوع مطالعه بوده است؛ اما این مطالعات نیز اغلب با رویکرد تاریخی، کلامی یا انتقادی پیش رفته‌اند و کمتر به مدل‌سازی ارتباطی انتقال و بازنمایی مهدویت پرداخته‌اند.

در محور پنجم، برخی پژوهش‌ها به نیازسنجی و نسبت مهدویت با حوزه‌های میان‌رشته‌ای توجه کرده‌اند. عرفان در مقاله سنجش نیازهای پژوهشی تراز انقلاب اسلامی در گستره مناسبات آموزه مهدویت و مطالعات رسانه، یکی از نزدیک‌ترین آثار به مسئله پژوهش حاضر است؛ زیرا به طور مستقیم مناسبات میان آموزه مهدویت و مطالعات رسانه را موضوع بررسی قرار داده است (عرفان، ۱۳۹۹، «سنجش نیازهای پژوهشی در گستره مناسبات آموزه مهدویت و مطالعات رسانه»). همچنین عرفان و کارگر در مقاله سنجش نیازهای پژوهشی در گستره مناسبات آموزه مهدویت و (عرفان، ۱۳۹۹: صص. ۲۵-۴۸) مطالعات مدیریت، به امکان امتداد آموزه مهدویت در قلمرو مطالعات مدیریت پرداخته‌اند و از ضرورت توجه به فرصت‌های راهبردی در ترویج فرهنگ مهدوی سخن گفته‌اند (عرفان و کارگر، ۱۳۹۹: صص. ۱۰۱-۱۲۴). این دسته از مطالعات از حیث میان‌رشته‌ای بودن، به پژوهش حاضر نزدیک‌اند؛ با این تفاوت که پژوهش ما به جای نیازسنجی صرف، در پی فراتحلیل و استخراج الگوی مفهومی پیوند میان سه‌گانه مهدی باوری، مهدی یابوری و مهدی زیستی با نظریه‌های ارتباطی است. برخی آثار نیز به طبقه‌بندی منابع و مباحث مهدوی پرداخته‌اند. سلیمیان در کتاب‌شناسی موضوعی مهدویت، بخشی از منابع مرتبط با این حوزه را معرفی و دسته‌بندی کرده است. (سلیمیان، ۱۳۹۱: ص. ۱۸)

خوشفر و طائب اصفهانی در مقاله گونه‌شناسی آیات مهدویت با تأکید بر تفسیر اطبیب‌البیان، آیات مرتبط با مهدویت را گونه‌شناسی کرده و نشان داده‌اند که نسبت برخی آیات با مهدویت، گاه مستقیم و گاه از مسیر دلالت‌های التزامی قابل فهم است. (خوشفر و طائب اصفهانی، ۱۳۹۹: صص. ۴۱-۶۲) این آثار در تقویت بنیان‌های متنی و منبع‌شناختی مطالعات مهدوی سودمندند، اما از نظر روش‌شناسی، کمتر به تحلیل کلان روند تولید دانش یا نسبت‌سنجی با نظریه‌های رسانه‌ای توجه دارند.

برآیند مرور پیشینه نشان می‌دهد که ادبیات موجود در حوزه مهدویت از حیث موضوعی

گسترده و متنوع است؛ از مباحث روایی و کلامی تا آموزش، هنر، فرهنگ جهانی، امنیت اجتماعی، مستشرقان، فرقه‌ها و نیازسنجی‌های میان‌رشته‌ای را در بر می‌گیرد. با این حال، مسئله اصلی آن است که بیشتر این مطالعات یا به صورت تک‌موضوعی سامان یافته‌اند یا فاقد یک چارچوب مفهومی منسجم برای پیوند دادن آموزه مهدویت با نظریه‌های ارتباطی هستند. به بیان دیگر، اگرچه پژوهش‌هایی مانند رویکرد هنری به مهدویت، سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس، فرصت‌ها و چالش‌های کتب درسی در موضوع مهدویت و سنجش نیازهای پژوهشی در گستره مناسبات آموزه مهدویت و مطالعات رسانه، هر یک بخشی از مسئله ارتباط، انتقال، بازنمایی یا نیازسنجی را پوشش داده‌اند، اما هنوز الگویی جامع که بتواند سه ساحت «مهدی‌باوری»، «مهدی‌یاوری» و «مهدی‌زیستی» را در نسبت با نظریه‌هایی چون کاشت، اقناع، استفاده و رضامندی، دیپلماسی عمومی و ارتباط معنوی تحلیل کند، به صورت روشن و سنجه‌پذیر ارائه نشده است.

از این رو، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با رویکرد فراتحلیل کمی و کیفی، به جای تمرکز بر یک متن، یک کتاب درسی، یک مسئله کلامی یا یک نیازسنجی محدود، مجموعه‌ای از مقالات منتشرشده در فصل‌نامه *مشرق‌موعود* را به عنوان جامعه پژوهش بررسی می‌کند و می‌کوشد از خلال آنها، الگوی حاکم بر مطالعات مهدوی را استخراج کند. بر همین اساس، ما در این مقاله تلاش کرده‌ایم از سطح مرور توصیفی پیشینه فراتر برویم و با تکیه بر سه‌گانه مهدی‌باوری، مهدی‌یاوری و مهدی‌زیستی، نسبت میان محتوای مهدوی و نظریه‌های ارتباطی را صورت‌بندی کنیم. این رویکرد، خلأ موجود در پیشینه را پوشش می‌دهد و می‌تواند مبنایی برای ارزیابی نظام‌مندتر پژوهش‌های آینده در حوزه میان‌رشته‌ای «مهدویت و ارتباطات» فراهم سازد.

جایگاه پژوهش حاضر

پژوهش حاضر با درک این خلأها، می‌کوشد تا از سطح مطالعات موردی و پراکنده فراتر رود. برخلاف رویه‌های معمول که صرفاً به یکی از ابعاد مهدویت می‌پردازند، این مطالعه با اتکا به روش «فراتحلیل»، فارغ از تقسیم‌بندی‌های رایج، به دنبال کشف الگوی نظام‌مند پنهان در کلان‌داده‌های پژوهشی است. تمرکز اصلی بر آن است تا نشان دهد چگونه می‌توان سه ضلع «باور، یاری و زیست مهدوی» را به نظریه‌های رسانه‌ای پیوند زد تا مدلی کارآمد برای سیاست‌گذاری فرهنگی استخراج گردد.

چارچوب روشی

روش پژوهش در این مقاله فراتحلیل است، مفهوم فراتحلیل نخستین بار در سال ۱۹۷۶ توسط گلاس مطرح شد. (Glass, 2015: 221-231) در واقع فراتحلیل، اصطلاحی کلی برای توصیف فنون آماری است که به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که الگوی یافته‌های حاصل از انواع مطالعات منتشرشده را در مورد یک پرسش پژوهشی خاص تحلیل کند. هدف از کاربرد این روش، تجمیع تحقیقات انجام شده در باب مهدویت است که با رویکرد تحلیل آماری به ۳۰ شماره اول مجله علمی - پژوهشی مشرق موعود می‌پردازد. بدین منظور مقاله‌های مورد مطالعه با جستجو در وب سایت مجله علمی - پژوهشی، مشرق موعود مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش از میان ۲۴۶ مقاله موجود در آرشیو مقالات منتشرشده در بازه زمانی سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۳ تعداد انجام شد.

پس از دو مرحله بررسی و بازبینی مقالات، درنهایت تمام ۲۴۶ مقاله که با موضوع پژوهش، یعنی شاخصه‌های دکترین مهدویت، برای فراتحلیل مورد استفاده قرار گرفتند. محتوای مقالات براساس مجله مورد مطالعه، نویسندگان مقالات، تاریخ انتشار، نشریه چاپ‌کننده مقاله، روش تحقیق، رویکردهای نظری به کار گرفته شده و یافته‌های پژوهش، مقوله‌بندی شد و به این ترتیب این مقالات مورد ارزیابی قرار داده شدند.

یافته‌های پژوهش

زمان انتشار: براساس یافته‌های پژوهش، کل مقالات مورد مطالعه: ۲۴۶ عنوان و مربوط به سال‌های: ۱۳۹۳-۱۳۸۶ شمارگان ۱ تا ۳۰ هستند. و پس از سه شماره ابتدایی، میانگین در هر شماره ۷ مقاله به چاپ می‌رسیده است. اما با توجه به این که این پژوهش در بهار سال ۱۴۰۳ انجام گردیده است، به طور طبیعی مجله مشرق موعود در این سال‌ها به دلیل شناخته‌تر شدن بین پژوهشگران حوزه مهدویت و معارف دینی، دچار تغییر و تحولات جدی در زمینه کیفیت محتوایی و تعداد مقالات منتشر شده و سطح همکاری نویسندگان گردیده است.

جدول (۱): توزیع فراوانی مقالات منتشرشده در فصول مختلف سال ۱۳۸۵-۱۳۹۳

سال انتشار	فصل انتشار	تعداد	میانگین	توضیحات
۱۳۸۶-۱۳۸۵	تابستان، تابستان، پاییز زمستان	۴۶	۱۱,۵	یک شماره در فصل تابستان سال ۸۵ به دلیل پیش شماره است.
۱۳۸۷	تابستان، پاییز، زمستان	۲۹	۹,۶	بهار چاپ نگردیده است
۱۳۸۸	بهار، تابستان، پاییز	۳۱	۱۰,۳	زمستان چاپ نگردیده است
۱۳۸۹	بهار، تابستان، پاییز، زمستان	۲۸	۷	
۱۳۹۰	بهار، تابستان، پاییز، زمستان	۲۸	۷	
۱۳۹۱	بهار، تابستان، پاییز، زمستان	۲۸	۷	
۱۳۹۲	بهار، تابستان، پاییز، زمستان	۲۸	۷	
۱۳۹۳	بهار، تابستان، پاییز، زمستان	۲۸	۷	
جمع	۳۰	۲۴۶	۶۶,۴	
۱۴۰۲	بهار، تابستان، پاییز، زمستان	۴۷	۱۵,۶	مقالات اصلی به علاوه ویژه نامه همایش بین المللی دکترین مهدویت

یافته‌های پژوهش (پرسش‌های مطرح شده در مقالات)

تحلیل محتوای پرسش‌های اصلی و فرعی مطرح شده در جامعه آماری مقالات (۲۴۶ مقاله فصل نامه مشرق موعود) نشان دهنده‌ی تمرکز بر چند حوزه مفهومی مشخص و در عین حال، غفلت از برخی حوزه‌های دیگر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جریان غالب پژوهش‌های مهدویت در بازه زمانی مورد بررسی، پرسش‌های خود را حول سه محور اصلی سازماندهی کرده است.

۱. تمرکز بر ابعاد شناختی و کلامی (مرتبط با مهدی باوری)

بخش بزرگی از پرسش‌ها به دنبال تبیین «معرفت‌شناسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع» و «نشانه‌های ظهور» هستند. این دسته از سوالات، که مستقیماً با بعد شناختی (دانش‌افزایی) دکترین مهدویت ارتباط دارند، بر موضوعاتی مانند منشأ علم امام، تفاوت نشانه‌های حتمی و غیرحتمی، و نحوه تشخیص صحت روایات متمرکز هستند. این یافته نشان می‌دهد که پژوهشگران عمدتاً به دنبال تحکیم بنیان‌های اعتقادی مخاطبان بوده‌اند.

۲. غلبه پرسش‌های معطوف به کنش و زمینه‌سازی (مرتبط با مهدی‌باوری)

محور دوم پرسش‌ها، به شدت بر مفاهیم «زمینه‌سازی برای ظهور»، «شرایط ظهور» و «موانع ظهور» متمرکز است. سؤالاتی نظیر «نقش انسان‌ها در زمینه‌سازی چیست؟»، «چه اقداماتی باید انجام شود؟» و «چگونه می‌توان موانع را رفع کرد؟» مستقیماً به بعد کنشی (حرکت‌زایی) آموزه مهدویت اشاره دارند. این امر نشان می‌دهد که گفتمان غالب در این مقالات، به دنبال تشویق مخاطب به انجام فعالیتی مشخص برای تسریع در امر فرج است.

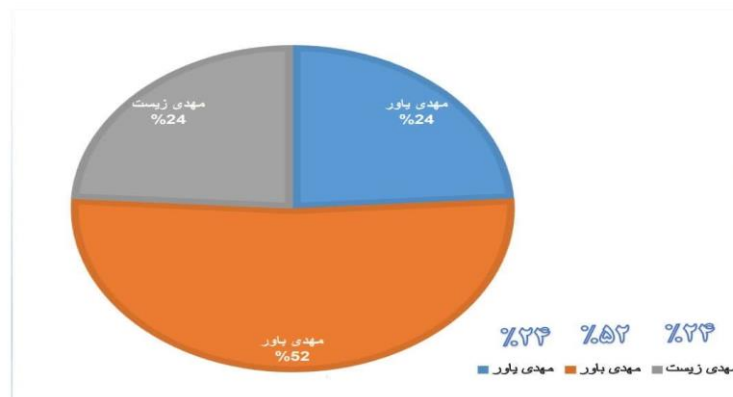
۳. رویکرد آینده‌پژوهانه و کلان (ترکیبی از باور و کنش)

دسته سوم سؤالات، به «آینده‌پژوهی و فرجام ادیان» می‌پردازد. این پرسش‌ها با نگاهی کلان و بین‌المللی، به دنبال ترسیم سناریوهای آینده جهان و جایگاه ادیان در آخرالزمان هستند. این محور، اگرچه ماهیتی شناختی دارد، اما نتایج آن می‌تواند بر راهبردهای کنشی و دیپلماسی فرهنگی تأثیر بگذارد. (کارگر، ۱۳۸۷: ص. ۱۶)

مهم‌ترین یافته این فراتحلیل، خلأ مشهود پرسش‌های مرتبط با بُعد سوم دکترین مهدویت، یعنی «مهدی‌زیستی» (سبک زندگی) است. در میان صدها پرسش اصلی و فرعی استخراج شده، سؤالاتی که مستقیماً به چگونگی جاری‌سازی ارزش‌های مهدوی در زندگی روزمره، الگوهای مصرف، روابط اجتماعی، معماری شهری و ساختارهای اقتصادی یک جامعه منتظر بپردازند، تقریباً غایب هستند. (شجاعی، ۱۳۹۳: صص. ۴۵-۵۲)

این یافته، فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر «جزیره‌ای بودن مطالعات» و «غفلت از پیوند نظام‌مند میان ابعاد سه‌گانه مهدویت» را به خوبی تأیید می‌کند. در حالی که پژوهش‌ها در حوزه‌های «دانش‌افزایی» (مهدی‌باوری) و «حرکت‌زایی» (مهدی‌یاوری) فعال بوده‌اند، حوزه «سبک زندگی» که نیازمند پیوند با نظریه‌های ارتباطی مانند «دیپلماسی عمومی» و «کاشت» است، مغفول مانده است. این شکاف، ضرورت ارائه یک مدل مفهومی جدید برای جهت‌دهی به پژوهش‌های آتی را دوچندان می‌سازد.

نمودار شماره (۳): نمودار توزیع فراوانی محور های مورد مطالعه



روش پژوهش مقالات

مقالات مورد مطالعه در این پژوهش به لحاظ روش کلی، عمدتاً در قالب پژوهش‌های از شیوه تحلیل کیفی به منظور تحلیل و جمع‌بندی یافته‌ها بهره گرفته شده و کمتر از روش کمی استفاده شده است.

افزون بر این بیشتر پژوهش‌ها (ضمن گرایش بیشتر به موضوع زمینه‌سازی ظهور و رویکرد مهدی باوری و بنیان‌های فکری و مبانی عقیدتی) روش تحقیق در بیشتر این پژوهش‌ها به روش، توصیفی - تحلیلی است.

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی روش‌های کلی پژوهش

تعداد کل مقالات	روش کمی	روش کیفی	درصد
۲۴۶	۶ مقاله		۲٫۵ درصد
۲۴۶		۲۴۰ مقاله	۹۷٫۵ درصد

بررسی روش پژوهش در مقالات نشان داد بیشتر مقالات مورد مطالعه (۶ مقاله معادل ۲٫۵ درصد) از مقالات (در گردآوری داده‌های خود از پرسشنامه‌ها، آزمون‌ها و تست‌های مختلف استفاده کرده و بقیه مقالات (۲۴۰ مقاله معادل ۹۷٫۵ درصد) از مقالات (از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و سایر روش‌ها) استفاده کرده‌اند. در بخش روش تحلیل البته تنوع بیشتری در مقالات وجود دارد. بخش زیادی از مقالات بیش از یک روش تحلیل استفاده کرده‌اند.

جدول (۵): توزیع فراوانی پرسش های پژوهشی در مقالات

تعداد پرسش پژوهش	فراوانی	درصد	تعداد پرسش پژوهش	فراوانی	درصد	تعداد پرسش پژوهش	فراوانی	درصد
۱ پرسش	۲۴۶	۱۰۰	بدون پرسش فرعی	۱۰	۴	۱ پرسش اصلی	۲۲۰	۸۹
۲ پرسش	۱۹۰	۷۷	۱ پرسش فرعی	۱۴	۵	۲ پرسش اصلی	۱۸۰	۷۳
۳ پرسش	۱۵۰	۶۰	۲ پرسش فرعی	۱۸۳	۷۴	۳ پرسش اصلی	۵۰	۲۰
۴ پرسش	۵۰	۲۰	۳ پرسش فرعی	۴۲	۱۷	---	---	---

نگاه کلی به اعداد و ارقام جنسیت، رتبه علمی، تکراری بودن نویسندگان

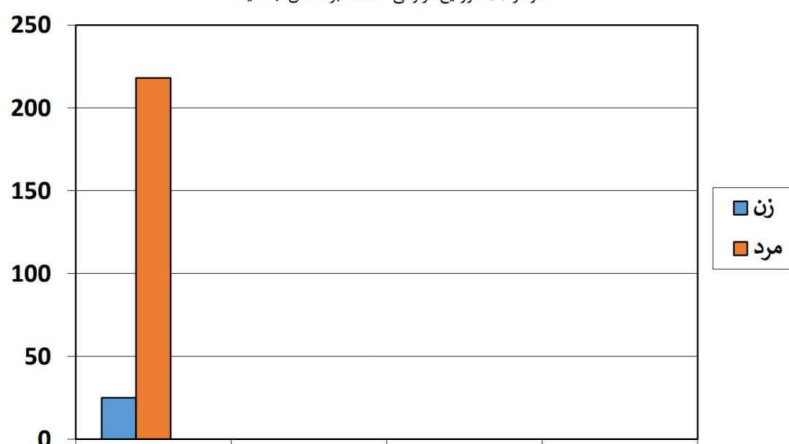
الف) انتشار مقالات براساس جنسیت

تعداد کل: ۲۴۶ مقاله

زنان: ۲۸ مقاله

مردان: ۲۴۴ مقاله

نمودار (۶): توزیع فراوانی مقالات بر اساس جنسیت



ب) رتبه علمی نویسندگان مقالات

با بررسی بین نویسندگان مجله، یافته های زیر به دست آمد.

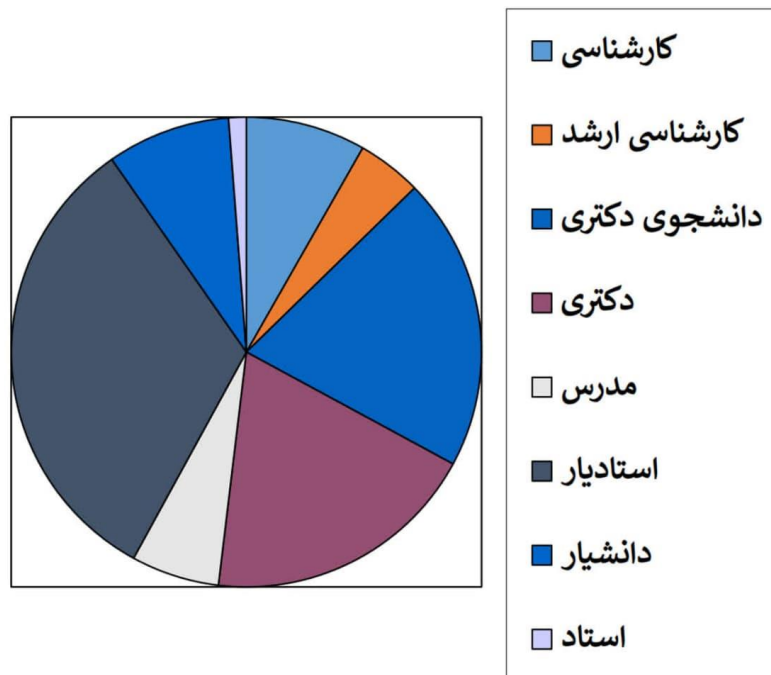
آمار و نتایج:

*کارشناسی (۱۵) *کارشناسی ارشد (۶۳) *دانشجوی دکتری (۵۵)

*دکتری (۵۳) *مدرس (۱۸) *استادیار (۸۱)

*دانشیار (۲۲) *استاد (۵)

نمودار (۷): توزیع فراوانی مقالات بر اساس رتبه علمی نویسندگان



مقالات برحسب موضوعات

قرآن (۴۶)

کلام و عرفان (۳۷)

تاریخ (۲۶)

حقوق و سیاست (۲۶)

جامعه‌شناسی (۴۶)

روان‌شناسی (۱۷)

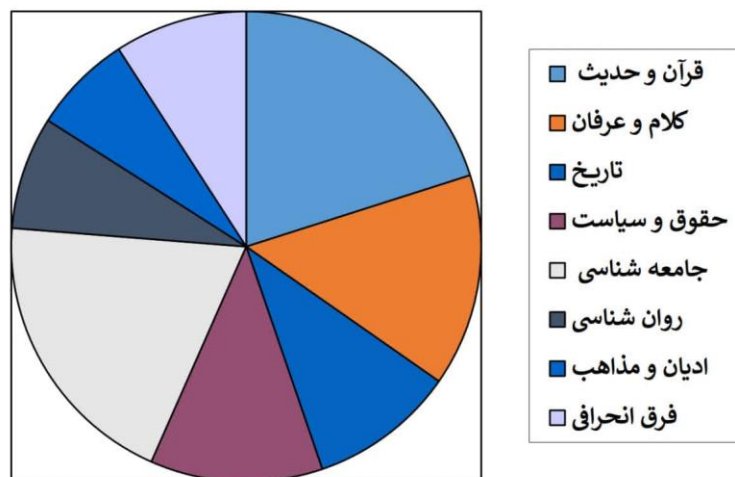
ادبیان و مذاهب (۱۵)

فرق انحرافی (۲۲)

مجله

دوره نوزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۷۸)، زمستان ۱۴۰۴

نمودار (۹): توزیع فراوانی براساس داده‌های موضوعی



رویکرد نظری

با بررسی تعداد ۲۴۶ مقاله مشخص گردید نظریات غیر تکراری ۹۰ نظریه بوده‌اند که به دسته‌بندی‌های نظریه‌ها اشاره می‌گردد و نظریات مورد اشاره را نیز با تعریف آن در ذیل جدول (شماره ۹) ارائه می‌شود:

نظریه‌های کلامی: حدود ۲۲/۲ درصد مقالات

نظریه‌های تاریخی: حدود ۸/۸ درصد مقالات

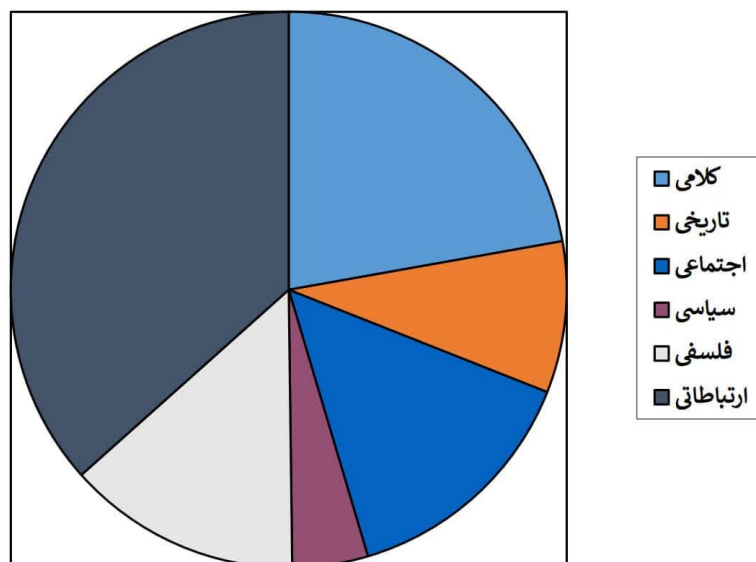
نظریه‌های اجتماعی: حدود ۱۴/۴ درصد مقالات

نظریه‌های سیاسی: حدود ۴/۴ درصد مقالات

نظریه‌های فلسفی: حدود ۱۳/۶ درصد مقالات

نظریه‌های ارتباطاتی: حدود ۳۶/۶ درصد مقالات

نمودار (۱۰): توزیع فراوانی بر اساس نظریات



توزیع فراوانی رویکردهای نظری حاکم بر مقالات

جدول (۶): (یافته‌های بخش مبانی نظری)

ردیف	حوزه نظری	کاربرد در مطالعات مهدویت	نظریه‌های محوری	فراوانی تعداد مقاله
۱	علوم ارتباطات و رسانه	تبیین نقش تکرار پیام‌های مهدوی در شکل‌دهی به باورهای مخاطب	کاشت (Cultivation)	۴۵
		بررسی شیوه‌های جذب مخاطب و پاسخ به شبهات	اقناع و تغییر نگرش (Persuasion)	۳۸
		تحلیل انگیزه‌های مخاطبان از مصرف محتوای دینی/مهدوی	استفاده و رضامندی (G&U)	۳۰
		استفاده از مهدویت برای تعاملات بین‌المللی و قدرت نرم	دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای	۲۵
		نحوه بازنمایی اخبار آخرالزمانی و نشانه‌های ظهور در رسانه	برجسته‌سازی و چارچوب‌بندی (Framing)	۲۰
		فرصت‌های فضای مجازی برای جهانی‌سازی فرهنگ انتظار	دهکده جهانی (Global Village)	۱۵
۲	جامعه‌شناسی و آینده‌پژوهی	تحلیل مهدویت به عنوان تنها آلترناتیو برای جهانی‌سازی غربی	جهانی‌شدن (Globalization)	۴۰
		تبیین تقابل گفتمان مهدوی با گفتمان لیبرال دموکراسی	برخورد تمدن‌ها (Clash of Civilizations)	۳۵

۲۸	آرمان شهر (Utopia)	مقایسه جامعه موعود شیعی با یوتوپاهای غربی		
۱۸	سرمایه اجتماعی (Social Capital)	نقش انتظار در افزایش اعتماد و انسجام اجتماعی		
۶۰	ولایت فقیه و حکومت اسلامی	تبیین مدل حکمرانی در عصر غیبت به عنوان زمینه ساز	۳	مبانی کلامی و سیاسی
۵۵	فلسفه تاریخ (پایان تاریخ)	نقد فوکویاما و ارائه مدل فرجام شناسی شیعی		
۴۲	عدالت اجتماعی	مهدویت به عنوان مانیفست تحقق عدالت جهانی		

بررسی جدول (۶) نشان می دهد که ادبیات نظری مقالات فصل نامه مشرق موعود در حال گذار از «رویکردهای صرفاً کلامی» به «رویکردهای میان رشته ای» است.

۱. غلبه رویکرد تطبیقی: بخش قابل توجهی از مقالات تلاش کرده اند مفاهیم مهدوی را با نظریه های کلان جامعه شناسی و سیاسی (مانند جهانی شدن و پایان تاریخ) همسان سازی یا نقد کنند.

۲. ظرفیت های ارتباطی: وجود نظریه هایی مانند «کاشت»، «اقتناع» و «دیپلماسی عمومی» در میان نظریه های پرکاربرد، نشان دهنده درک پژوهشگران از اهمیت رسانه در ترویج فرهنگ مهدویت است. با این حال، تمرکز بر نظریه های جدیدتر ارتباطی (مانند ارتباطات شبکه ای یا روایت شناسی دیجیتال) کمتر دیده می شود.

۳. پالایش داده ها: در این فراتحلیل، مفاهیم کلامی محض (مانند قاعده لطف یا برهان واسطه فیض) که ماهیت درون دینی دارند، از فهرست نظریه های علمی تفکیک شده اند تا تمرکز بر جنبه های «کارکردی» و «اجتماعی» پژوهش حفظ شود.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با اتکا به روش فراتحلیل نظام مند و بررسی ۲۴۶ مقاله علمی - پژوهشی فصل نامه مشرق موعود (در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳)، تلاشی برای آسیب شناسی جریان تولید علم در حوزه «مهدویت و ارتباطات» بود. هدف اصلی، تبیین نسبت میان آموزه های مهدوی با نظریه های ارتباطی و سنجش میزان تعادل در پرداختن به سه گانه «مهدی باوری» (بُعد شناختی)، «مهدی باوری» (بُعد کنشی) و «مهدی زیستی» (بُعد سبک زندگی) بوده است. تحلیل نهایی یافته ها منجر به نتایج زیر گردید:

۱. عدم توازن موضوعی (غلبه رویکرد کلامی بر رویکرد اجتماعی)

تحلیل محتوای کمی نشان می دهد که تمرکز اصلی پژوهش ها (۵۲٪ از کل مقالات) بر محور

«مهدی‌باوری» و مباحث نظری، کلامی و معرفت‌شناختی استوار بوده است. این دسته از مقالات عمدتاً کارکرد «دانش‌افزایی» داشته‌اند. در مقابل، ابعاد «مهدی‌باوری» (زمینه‌سازی سیاسی - اجتماعی) و به‌ویژه «مهدی‌زیستی» (سبک زندگی و الگوهای رفتاری) که کارکردهای «شورآفرینی» و «حرکت‌زایی» دارند، سهم کمتری (مجموعاً ۴۸٪) را به خود اختصاص داده‌اند. این یافته بیانگر آن است که ادبیات پژوهشی موجود، بیشتر در مرحله «اثبات نظری» باقی مانده و در مرحله «امتداد اجتماعی» و ارائه الگوهای عملی برای زندگی روزمره دچار خلأ است.

۲. خلأ روش‌شناختی (فقر مطالعات پیمایشی و میدانی)

از منظر روش‌شناسی، بیش از ۹۰٪ مقالات متکی بر روش‌های کیفی (تحلیلی - توصیفی، اسنادی و کتابخانه‌ای) بوده‌اند و سهم پژوهش‌های کمی و میدانی (مانند پیمایش، تحلیل محتوای کمی و روش‌های آماری) بسیار ناچیز است. این امر نشان می‌دهد که پژوهش‌های مهدویت عمدتاً ماهیت انتزاعی و تجویزی دارند و کمتر به سنجش واقعیت‌های موجود در جامعه منتظر و میزان اثربخشی پیام‌های دینی بر مخاطبان پرداخته‌اند.

۳. انطباق با نظریه‌های ارتباطی (مدل پیشنهادی)

تطبیق یافته‌ها با پنج نظریه ارتباطی چارچوب پژوهش نشان می‌دهد: نظریه اقتناع: بیشترین کاربرد را در مقالات محور «مهدی‌باوری» داشته است (تلاش برای تثبیت عقیده).

دیپلماسی عمومی و دهکده جهانی: عمدتاً در مقالات محور «مهدی‌باوری» و مباحث حکومت جهانی مورد توجه بوده‌اند.

نظریه کاشت و استفاده و رضامندی: که باید زیربنای مباحث «مهدی‌زیستی» و سبک زندگی باشند، کمترین بازتاب را داشته‌اند.

این عدم تقارن نشان می‌دهد که ظرفیت رسانه به مثابه ابزاری برای «جامعه‌پذیری» و «شکل‌دهی به عادات رفتاری» (مطابق نظریه کاشت) هنوز به‌طور کامل در مطالعات مهدوی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.

۴. دستاورد نهایی

پاسخ به پرسش‌های اصلی پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه راهبردهای کلان و مبانی نظری دگرترین مهدویت به خوبی تبیین شده‌اند، اما در حوزه «تبدیل‌گفتمان به رفتار» و تدوین استراتژی‌های رسانه‌ای برای نهادینه‌سازی سبک زندگی مهدوی، ضعف جدی وجود

دارد.

پیشنهاد پژوهشی

ضروری است پژوهش‌های آتی از رویکردهای صرفاً توصیفی و کلامی عبور کرده و با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی (Mixed Methods) و مدل‌های ارتباطی نوین، بر حلقه مفقوده این پژوهش، یعنی «چگونگی تحقق مهدی‌زیستی در عصر رسانه» متمرکز شوند. همچنین، پیشنهاد می‌شود در مطالعه‌ای مستقل، شماره‌های جدیدتر فصل‌نامه مشرق موعود (از سال ۱۳۹۴ تاکنون) با همین مدل فراتحلیل مورد ارزیابی قرار گیرند تا تغییرات احتمالی در رویکردهای پژوهشی و حرکت به سمت مسائل کاربردی‌تر رصد شود.

منابع

قرآن کریم

- بهرامی، علیرضا (۱۳۹۷)، شبهه اختلال هویتی در ساخت اندیشه مهدویت، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۹.
- پورسیدآقایی، سیدمسعود (۱۳۸۸)، تجلی محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه در اطاعت از ولی فقیه است، مشرق موعود، سال سوم، شماره ۱۱.
- حسن‌زاده، کاظم (۱۳۹۷)، تجلی پارامترهای امید، مهدویت و ظهور در کتب فارسی دوره متوسطه، عصر آدینه، ۱۱ (۳).
- حکیمیان، محمدرضا، حکیمیان، زهرا (۱۳۹۷)، پیدا و پنهان دیدگاه مستشرقان در حیطه مهدویت، مطالعات مهدوی، ۹ (۱).
- خلیل‌بیگی، نغمه (۱۳۸۶)، مهدویت در صداوسیما، ماهنامه موعود، سال ۱۲، شماره ۸۰.
- خوشفر، محمد، و طائب اصفهانی، محمدرضا (۱۳۹۹)، گونه‌شناسی آیات مهدویت با تأکید بر تفسیر اطیب‌البیان، پژوهش‌های مهدوی، ۱۲ (۱).
- دهقانی آرانی، زهیر (۱۳۹۸)، سیر تحول آرای مستشرقان در مورد مهدویت (از ۲۰۰۱ میلادی تاکنون)، انتظار موعود، شماره ۶۵.
- روحی، محمدرضا؛ روشن‌ضمیر، مهدی (۱۳۹۹)، جایگاه امامت و مهدویت از نظر قرمطیان، پژوهش‌های مهدوی، ۱۲ (۲).
- سلیمیان، حسن (۱۳۹۱)، کتاب‌شناسی موضوعی مهدویت، قم: مؤسسه آینده روشن.
- شجاعی، محمد (۱۳۹۳)، آفت‌های عارض شده بر زندگی، ماهنامه موعود، سال ۱۹، شماره

۱۶۰.

- عرفان، احمد؛ کارگر، محمدحسین (۱۳۹۹)، سنجش نیازهای پژوهشی در گستره مناسبات آموزه مهدویت و مطالعات مدیریت، *مشرق موعود*، ۱۳(۳).
- عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۹)، سنجش نیازهای پژوهشی تراز انقلاب اسلامی در گستره مناسبات آموزه مهدویت و مطالعات رسانه، *مطالعات/انقلاب/اسلامی*، شماره ۶۱.
- کارگر، رحیم (۱۳۸۷)، *آینده جهان: دولت و سیاست در اندیشه مهدویت*، قم: مرکز تخصصی مهدویت.
- محسنی آهویی، ابراهیم، خادمی، عاطفه (۱۳۹۶)، فرصت‌ها و چالش‌های کتب درسی در موضوع مهدویت؛ تحلیل بازنمایی مهدویت در کتب آموزش رسمی کشور با رویکرد معیار انقلاب اسلامی، *عصرآدینه*، شماره ۲۴.
- محمدی منفرد، بهروز (۱۳۸۹)، *امامت و مهدویت*، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار، *تربیت/اسلامی*، دوره ۳، شماره ۷.
- ملکی‌راد، محمود (۱۳۹۷)، کارکردهای اجتماعی اندیشه مهدویت در حوزه امنیت و دفاع، *انتظار موعود*، شماره ۱۸.
- موسوی گیلانی، سید رضی (۱۳۸۵)، رویکرد هنری به مهدویت، *عصرآدینه*، شماره ۱.
- مویدی، علی (۱۳۹۸)، عوامل و زمینه‌های پیدایش جریان‌ات انحرافی در حوزه مهدویت، *مطالعات مهدوی*، شماره ۴۳.
- Hall, S. (1997). Representation: Cultural representations and signifying practices. Sage.
- Krippendorff, K. (2018). Content analysis: An introduction to its methodology (4th ed.). Sage.
- McQuail, D. (2010). McQuail's mass communication theory (6th ed.). Sage.